

اطمینان دارم که به ایران باز خواهیم گشت

از روزی که خبر اعطای جایزه صلح به خانم شیرین عبادی را شنیده‌ام وقتی در خیابانها راه می‌روم احساس سرفرازی می‌کنم



علیاحضرت فرح پهلوی: آرزوی بزرگ من دیدن ایرانی آزاد و دمکراتیک است

رویای رضاشاه، عشق رضا شاه این بود که هر طور شده ایران را از دایره عقب ماندگی نجات دهد. ایران از نظر جغرافیای سیاسی از موقعیت حساس و مهمی برخوردار بود و بویژه ثروت مملکت، نفت مملکت، مملکت نظر قدرتهای بزرگ بود. **شما قبول دارید که محمد رضا شاه مملکت را با استبداد و اراده فردی اداره می‌کرد.**

- بانوعی اقتدار (اتوریتیه) به‌عللی که قبلا به آنها اشاره کردم. بله. کشورهای دیگر سالها و سالها وقت مخصوص برای پیشبرد نوسازی کشور، دمکراسی برقرار سازند. متأسفانه زمانی که پادشاه تصمیم گرفت فعالیتهای سیاسی را آزاد سازد با توقعات روز افزون رو به رو گشت.

شما در کتاب خاطراتان به زیاد رویهای «ساواک» اشاره کرده‌اید.

- بله، اشاره کرده‌ام. همانطور که گفتم پافشاری پادشاه فقید برای سرعت بخشیدن به روند نوسازی کشورم مسائلی بوجود آورد. مثلاً انجام اصلاحات ارضی، اعطای حق رای به زنان و غیره مشکلاتی ایجاد می‌کرد که منجر به دخالت ساواک می‌شد. در این میان نقش جنبشهای کمونیستی وابسته به جماهیر شوروی را در دامن زدن به نآرامیها نباید نادیده انگاشت. این معتقدی بود و به خداوند توکل می‌کرد. **اینک نیز شما یا خانواده‌تان در معرض خطر سوء قصد قرار دارید؟**

- بله. بخصوص نگران پسر من رضا هستم. البته من توکل به خداوند ناآرامیها نباید نادیده انگاشت. این معتقدی بود و به خداوند توکل می‌کرد. **اینک نیز شما یا خانواده‌تان در معرض خطر سوء قصد قرار دارید؟**

مسائلی ممکن است بر سر راه و در حین اجرای طرح بوجود بیاید. ضرب المثلی می‌گوید کسی که کاری نمی‌کند مشکلی هم برایش ایجاد نمی‌شود.

یک موضوع دیگر هم هست و آن اینکه شوهرم بیمار بود می‌خواست کارهای نوسازی قبل از مرگ او تحقق یابد. برنامه ساز تلویزیون فرانسه، پس از نشان دادن صحنه‌هایی از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و سپس مراسم تشییع جنازه محمد رضا شاه در قاهره از علیاحضرت فرح سؤال می‌کند:

از مشاهده صحنه‌های تاریخ گذشته، سالهای شادی و شکوه و سپس انقلاب اسلامی، چه احساسی به شما دست می‌دهد؟

- احساس من احساس رضایت خاطر است. همراه با تلخی و تلخکامی از سرنوشت هموطنانم که قربانی انقلاب

اسلامی شده‌اند. وقتی می‌بینم انقلاب اسلامی، ایران ما را به چه سرنوشتی دچار کرده احساس تلخکامی عمیقی می‌کنم. بهر حال گذشته، گذشته است. من در حال زندگی می‌کنم. آنچه که در حال حاضر نسبت به آن احساس کمبود می‌کنم، سرزمین من، زادگاهم، ریشه‌ام است. دوری از ایران مرا رنج می‌دهد.

امیدوارید به زودی به ایران بازگردید؟

- بله. اطمینان دارم روزی به ایران باز می‌گردم.

بالاخرین آرزوی من اینست که ایران روزی آزادی خود را بازیابد. آزادیهای دموکراتیک مردم به آنها باز پس داده شود. ایرانی داشته باشیم آکنده از تساهل ومدارا و تمایز ارضی آن حفظ شود.

پس از بیست و پنج سال زندگی در غربت، شما مسئولیت آنچه را که در ایران روی داد به عهده می‌گیرید و معتقدید در ایران گذشته اشتباهاتی صورت گرفت.

- برای پاسخ دادن به سؤال شما باید به مجموعه شرایط گذشته ایران توجه کرد. ایران در دوران پس از جنگ در جوار جماهیر شوروی و در شرایط اعمال نفوذ همه جانبه آن کشور و جنگ سرد قرار داشت. ایران قبل از دوران سلطنت پهلوی‌ها یک کشور عقب افتاده بود.

مادر بزرگ و نوه‌ها

در این قسمت از مصاحبه، تلویزیون شهبانو فرح را در خانه ویلایی شاهزاده رضا پهلوی در واشنگتن نشان داد که در حال در آغوش گرفتن نوه‌های خود «نور» و «ایمان» است و شاهزاده رضا پهلوی به استقبال مادر آمده است. شاهزاده رضا پهلوی در مورد دختران خود اظهار داشت: آنها در مدرسه فرانسوی، زبان فرانسوی آموخته‌اند و به سه زبان فرانسه، انگلیسی و فارسی به سهولت حرف می‌زنند.

برنامه ساز تلویزیون سؤال می‌کند: آیا شما با آرزوی بازگشت به ایران زندگی می‌کنید؟ رضا پهلوی پاسخ می‌دهد: «البته ایران کشور ماست. من این جا به طور موقتی و در شرایط مهاجرت زندگی می‌کنم.»

- این برداشت در مورد شما صدق می‌کند ولی در مورد بچه‌های شما هم آیا صادق است؟ بنظر من آنها در شرایط دیگری قرار دارند.

شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد: درست می‌گویند. من همیشه از خودم سؤال می‌کنم در مورد جوانانی که ایران را نشناخته‌اند و اینکه آنها در مورد میهن پدران خود چگونه فکر می‌کنند. باید بگویم من این موضوع را در جریان برخوردهای رفتاری و احساسی فرزندانم حس می‌کنم. آنها به ایران علاقه‌مندند.



در این جا برنامه ساز تلویزیون به جشنهای دوهزار و پانصد ساله و هزینه‌ای که این جشنها به بودجه ایران تحمیل کرد اشاره می‌کند. شهبانو ضمن دفاع از برگزاری جشنها اظهار داشت:

به مناسبت برگزاری این جشنها صدها طرح عمرانی و آبادانی در کشور طراحی شد و تعداد زیادی از آنها بموقع اجرا درآمد و تعدادی هم چون طرح شهرستان پهلوی در ارضی عباس آباد تهران بر اثر وقوع انقلاب اسلامی اجرا نشد. بعد از انقلاب ادعا شد انقلاب اسلامی به این علت به وقوع پیوست که شاه در عرصه نوسازی کشور با سرعت بسیار اقدام کرد. به من بگوئید کدام کشور است که امکان مالی دارد و در زمینه نوسازی به سرعت اقدام نمی‌کند؟ این بنظر من کاملاً طبیعی بود. البته تردیدی نیست که هر پیشرفت سریعی خواه ناخواه مشکلاتی بوجود می‌آورد. قبل از آنکه شما دست به اقدامی بزنید نمی‌دانید چه مشکلات و صحنه نگاه می‌کنم.

خودتان را بابت مرگ دخترتان گناهکار حس می‌کنید. شهبانو پاسخ داد: این احساس شاید یک احساس طبیعی باشد. من که برای خود رسالت دلگرمی دادن به هزارها و هزارها ایرانی ساکن خارج از ایران قائلم چطور می‌توانم درباره دخترم لیلا احساس کوتاهی نکنم. این سخنان را علیاحضرت در حالی که می‌کوشید بر احساس تأثر خود مسلط شود بیان می‌کرد.



شهبانو در پاسخ به این سؤال که بیست و پنج سال بعد از حوادث اسلامی، اطرافیان شما و آشنایان شما را به چه نام خطاب می‌کنند، اظهار داشت، من نسبت به عنوان خودم حساسیتی ندارم، بعضی‌ها مرا «فرح» می‌نامند، بعضی‌ها «شهبانو» خطاب می‌کنند، حتی در جمهوری اسلامی یکبار مرا «فرح سابق» عنوان کردند. یکی از نوه‌هایم مرا «مامایا» صدا می‌زند.



برنامه ساز تلویزیون کانال سه فرانسه سؤال کرد: چه شد که پس از یک دوره طولانی بیست و چند ساله بفکر نوشتن خاطرات خودتان افتادید. شهبانو پاسخ داد: برای اینکه احتیاج داشتم مدتی بگذرد و پس از یک دوره طولانی بازنگری به گذشته، یادمانده‌هایم را به رشته نگارش در آورم.

در این قسمت از برنامه، تلویزیون بخشهایی از زندگی فرح دیبا دانشجوی سابق در اتاق کوچک ۱۲ متری واقع در خوابگاه دانشجویی پاریس سپس مراسم ازدواج وی با پادشاه فقید به همراه صحنه‌هایی از مراسم تاجگذاری، تولد «رضا کوچولو»، جشنهای دوهزار و پانصدساله نشان داد. شهبانو پس از تماشای این صحنه‌ها اظهار داشت: من گاهی احساس می‌کنم دویست سال زندگی کرده‌ام. حالا پس از دورانی که به عنوان ملکه ایران گذراندم و سالهایی که اینک در غربت بسر می‌برم، به یک نوع فلسفه زندگی دست یافته‌ام. با توجه به آنچه که در جریان انقلاب اسلامی در ایران روی داد، من نمی‌بایست زنده بمانم، ولی زنده ماندم. حال وقتی به گذشته نگاه می‌کنم یا وقتی آلوم عکسهایم را از نظر می‌گذرانم بنظرم می‌آید که دارم به یک فرد دیگری نگاه می‌کنم. تو گویی این من نیستم، یک نفر دیگر است. گاهی احساس من اینست که من در صحنه نیستم. در میان تماشایچیان صحنه نشسته‌ام و دارم به صحنه نگاه می‌کنم.

ف. سیامک - پاریس
کانال ۳ تلویزیون فرانسه چهارشنبه شب گذشته به مناسبت انتشار کتاب «خاطرات فرح پهلوی» به زبان فرانسه با علیاحضرت فرح پهلوی گفت و گو داشت. در این برنامه تلویزیونی که با فیلمهای مستند متعدد از دورانهای گوناگون زندگی شهبانو، خاندان سلطنتی ایران، مراسم تاجگذاری، جشنهای دوهزار و پانصد ساله و نیز انقلاب اسلامی همراه بود، علیاحضرت برای نخستین بار از برداشتهای شخصی خود درباره حوادث مهم زندگی اجتماعی و خصوصی اش سخن گفت.

احساس غرور می‌کنم

شهبانو فرح درباره خانم شیرین عبادی برنده جایزه نوبل صلح اظهار داشت:

اعطای جایزه نوبل صلح به خانم شیرین عبادی برای من شادی بزرگی به همراه داشت. من از این بابت احساس غرور می‌کنم. از روزی که این خبر را شنیدم وقتی در خیابان راه می‌روم احساس سرفرازی می‌کنم. من برای خانم عبادی آرزوی موفقیت بیشتری می‌کنم و از خلال مبارزه او، مبارزه در راه آزادی و سرفرازی بیشتر زن ایرانی را می‌بینم. موفقیت خانم شیرین عبادی بزرگترین هدیه‌ای بود که به مناسبت سالروز تولدم به من داده شد. مخصوصاً وقتی به یاد می‌آورم که او نخستین زنی بود که در دوران قبل از انقلاب به عنوان قاضی انتخاب شده بود.

لیلا، قربانی دیگری بود

شهبانوی ایران در پاسخ به سؤال برنامه کانال سه تلویزیون فرانسه که در مورد خودکشی والا حضرت لیلا پهلوی پرسیده بود اظهار داشت: قبل از هر چیز باید بگویم که «لیلا» خودکشی نکرد. او در شرایط سلامتی شکننده‌ای قرار داشت و داروهای متعددی مصرف می‌کرد، متوجه نبود که در مصرف داروهای متعدد افراط می‌کند. متأسفانه وضع او خیلی سریع به مرحله‌ای رسید که دیگر دیر شده و کار از کار گذشته بود. از نظر من لیلا یکی از هزارها ایرانی دیگری است که قربانی رژیم اسلامی حاکم بر ایران شده‌اند. تردیدی نیست که به عنوان مادر هیچگاه نمی‌توانم از دست دادن فرزندم را فراموش کنم.

در این جا برنامه ساز تلویزیون از شهبانو سؤال کرد: به نظر شما تا حدی